

سیرابِ سراب

چنگیز میرزایی

www.ketab.ir



انتشارات اردیبهشت

سرشناسه	میرزایی، چنگیز، ۱۳۳۴
عنوان و نام پدیدآور	سیراب سراب/ چنگیز میرزایی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات اردیبهشت، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۹۶ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۱۷۱-۵۱۴-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	شعر فارسی — قرن ۱۴
موضوع	Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	۸۲۲۳PIR
رده بندی دیویی	۶۳/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۷۹۴۹۱
وضعیت رکورد	فیا



انتشارات اردیبهشت

آدرس: تهران، خ انقلاب، پلاک ۳۱۶ طبقه ی همکف
 تلفن: ۷-۸۸۶-۶۶۴۸/۶۶۹۷۶۱۳ تلفکس: ۶۶۴۹۱۱۱ کدپستی: ۱۳۱۴۶۶۵۱۱۱
 www.ordibeheshtpub.ir Pub_ordibehesht@yahoo.com

عنوان کتاب: سیراب سراب

شاعر: چنگیز میرزایی

مدیرامور فنی: امیر هوشنگ اسکندری

چاپ: دوستان

شمارگان: ۵۰

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۱-۵۱۴-۶

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به مؤلف است.



مقدمه

شعر برای من مخدري بود که گاهی به آن پناه می‌بردم. و گاهی بی‌آنکه بخواهم، در من جاری می‌شد. شاعری هم همانند کارنامه‌ام و دیگر ارکان وجودی‌ام، در ناهماهنگی هماهنگ است البته برای کسی که نه بختی همراه و نه چراغی فرا راه داشته، همین لنگه کفش هم نعمت است زیرا تجربه‌ای بود گران‌بها که از راه آن تا حدی با دنیای شاعری آشنا شدم و به ذهن و ضمیر شاعران، سرک کشیدم. لذت بیان احساس را در قالبی آهنگین و واژه‌هایی شسته و متین دریافتیم. همان لذتی که غیر شاعران برای نمایش‌اش ایزاری جز واکنش‌های، هیجانی و نمودی غیر از اشک و لبخند ندارند همه این‌ها ابزارهای غریزی و ناخودآگاه و در نتیجه، فاقد ارج و بها است. اما احساساتی که در قالب شعر ریخته و حشو و زوائدش بیخته می‌شود، الماس تراش‌خورده است. در برابر سنگ الماس و صندل است در برابر هیمه جنگل. پولک واژه‌های شاعر، بی‌شستشوی اشک بر پیراهن شعر نمی‌نشیند. و اگر جز این باشد از دیگران هم‌دلی نمی‌بیند. شاعر، بال پروازی دارد که دیگران از آن بی‌بهره‌اند. همین شاعر با همین بال بر آسمان خیال پا می‌گذارد در آنجا می‌نشیند و زمین و زمینیان را ناچیز می‌بیند. در خلصه خوشایندی فرو می‌رود که مفرح جان است و منزّه از جهان. در آن حال است که بر چرخ مطبق، کوسِ اناالحق می‌زند. گوش زمینیان را با زبان آسمانیان آشنا و در دلشان غوغا به پا می‌کند. دستشان را می‌گیرد و آن‌ها را پله‌پله تا پهنه پندار، بالا می‌برد زبانش در دل دوستدارانش شور برمی‌انگیزد و با جان و روح و روانشان درمی‌آمیزد. شیدایی‌شان بیدار و شاعر در آن‌ها تکرار می‌شود اینجاست که شاعران آینه تمام‌قلبه‌های دردمندند هر دردی و از هر رنگی. تا روزی که چشمه دردمندی و احساس، جوشش و فوران دارد، شاعری و شعر هم برای ادامه زندگی‌اش فرمان دارد. اما این حکمرانی و فرمانروایی مانند هر استغنائی، طغیانی در پی دارد و آن زمانی است که بعضی شاعران پس از تصرف دل‌ها در پی سیطره بر مغزها و فکر هم می‌افتند و ردای فیلسوفان و اندیشمندان را می‌پوشند و سخنانی از جنس «رهنمودهای داهیان» عرضه می‌نمایند. این گفته‌های زیبا و شیوا، خود را به رقت کده



دل‌ها می‌رساند و مشتاقان را در پی‌اش می‌کشاند و اگر خالی از عمق و اندیشه باشد، زخمی عمیق بر پیکر فرهنگ ملی می‌نشانند. برای نمونه، اگر از هزاران امتیاز سعدی درگذرید و به چند و چندین آموزه زیان‌بار یا سطحی او بنگرید، می‌بینید که چگونه چون میخی پولادین بر پیکر فرهنگ این سرزمین نشسته و راه خردورزی را بسته است. درک احساس شاعر و شاعرانگی مانند درک احساس پدری، مادری، عاشقی، قدرتمندی، حرمان، هجران و ... چشیدنی و حضوری است و نه اکتسابی و حصولی. از این رو نعمتی است که بیرون ماندگان از این دایره از چشایی آن محروم‌اند. شاعران همه ارکان و عناصر مادی و معنوی هستی را با چشم جادویی (Magical eye) می‌بینند که نگاهی نو، عمیق، چندبعدی، شورانگیز و همدلانه به آن دارد از این بابت خوشالم که دستی هر چند از دور، بر این آتش جان‌سوز گرمی‌بخش روشنی افشان داشته‌ام.

چنگیز میرزایی - بهمن‌ماه ۱۳۹۹